

چرا محصولات کشاورزی ایران در مرزها قتل شده‌اند؟

مهر بی اعتبار



گروه تجارت: در دنیای تجارت بین‌الملل، «استاندارد» صرفاً یک برچسب الصاق‌شده بر کارتن‌های صادراتی نیست بلکه گذرنامه ورود کالا به بازارهای جهانی است. پارادوکس این روزهای اقتصاد کشاورزی ایران همین‌جاست: محموله‌هایی که مهر استاندارد ایران را با افتخار بر پیشانی دارند، در گمرکات روسیه، اروپا و هند به جرم ناخالصی یا سموم غیرمجاز زمین‌گیر می‌شوند.

این فاجعه تجاری، فراتر از یک بدشانسی اداری، نشان‌دهنده شکاف عمیقی است میان ضوابط کاغذی داخلی و استانداردهای سخت‌گیرانه بین‌المللی. وقتی فلفل دلمه‌ای، پسته یا کیوی ایران به‌دلیل حضور سمومی که حتی در لیست مجاز کشورهای هدف ثبت نشده‌اند، برگشت می‌خورد، یعنی دیپلماسی فنی ما در برابر استانداردهای جهانی به بن‌بست رسیده است. این گزارش صمت، واکاوی دردی مزمن است که چرا با وجود ساختارهای عریض و طویل نظارتی، استاندارد در کشور، هنوز به معنای امنیت کیفیت در بازار جهانی نیست و هزینه‌اش را صادرکنندگان و اعتبار ملی می‌پردازند؟

داستان پسته ایران در اروپا، روایتی کلاسیک از مدیریت بحران منفعلانه است. داده‌های سامانه هشدار سریع مواد غذایی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ما در یک چرخه تکراری گیر افتاده‌ایم. در پاییز ۱۴۰۳، اتحادیه اروپا خطاری جدی برای ایران صادر کرد؛ تهدیدی

تله سموم

بحران فلفل دلمه‌ای اصفهان در بازار روسیه، شاید تلخ‌ترین درس سال‌های اخیر بود. سازمان حفظ نباتات ایران در آن زمان با تکیه بر استانداردهای داخلی خود، مدعی سلامت کالا بود اما روس‌ها به‌صراحت اعلام کردند که مشکل نه در ظاهر محصول بلکه در باقیمانده سموم است. نکته‌ای که کمتر به آن پرداخته شده این است که ما در ایران، محصولی را با سمومی سم‌پاشی می‌کنیم که ممکن است در لیست سموم مجاز کشور هدف یعنی روسیه یا اتحادیه اروپا اصلاً ثبت نشده باشند! این یک شکاف اطلاعاتی تجاری است. ما در حال سم‌پاشی با سمومی هستیم که گاهی ریشه در واردات بی‌رویه سموم تکنیکال چینی و هندی با ناخالصی‌های بالا دارند. وقتی کارشناسان می‌گویند کشاورز ایرانی فاصله سم‌پاشی تا برداشت را رعایت نمی‌کند، انگشت اتهام به‌سوی کشاورز می‌رود اما واقعیت این است که نظام نظارتی ما، ابزار آموزشی و نظارتی‌اش را تا پای مزرعه نبرده است. وقتی نظارت بر باقیمانده سموم در مزرعه وجود ندارد، چگونه می‌توان در مقصد انتظار عبور از سدهای استاندارد بین‌المللی را داشت؟

استاندارد یا حفظ نباتات؟

یکی از نقاط کوری که در ساختار اقتصاد کشاورزی ما ریشه دوانده، موازی‌کاری و پاس‌کاری‌های مسئولیت است. سازمان ملی استاندارد، استانداردها را تعریف می‌کند اما بازرسی آن در اراضی کشاورزی عملاً در صلاحیت وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفظ نباتات است. این دوگانگی، باعث شده تا هیچ‌کدام پاسخگوی نهایی نباشند. در واقع، ما با نوعی هرج‌ومرج نظارتی روبه‌رو هستیم. استاندارد ملی در بسیاری از موارد با کدهای غذایی بین‌المللی همخوانی ندارد یا به‌روز نیست. وقتی صادرکننده، کالا را با استاندارد ملی ایران بسته‌بندی می‌کند، در واقع فریب مهر استاندارد را می‌خورد. مهر استاندارد در اینجا به یک کاذب امنیتی تبدیل شده است؛ صادرکننده خیالش راحت است که استاندارد ایران را دارد اما در مرز کشور دیگر، این استاندارد پیش‌ری ارزش ندارد. راه‌حل در ایجاد یک «بنچره واحد فنی» است که استانداردهای سلامت‌محور کشورهای هدف را به صورت آنلاین و لحظه‌ای به تولیدکننده ابلاغ کند، نه اینکه پس از برگشت کالا، تازه به دنبال دلیل آن باشیم.

چرا کل کانیتیز تاوان می‌دهد؟

حلقه مفقوده در تجارت کشاورزی ما، فقدان رهگیری است. در کشورهای توسعه‌یافته، محصول یک باغ مشخص با یک کد QR مشخص می‌شود. اگر محصولی آلوده باشد، فقط همان باغ مسدود می‌شود. در ایران اما محصولات ده‌ها مزرعه در سردخانه‌ها با هم جمع می‌شوند. وقتی یک محموله برگشت می‌خورد، کل بار صادرکننده آلوده تلقی می‌شود و خسارت سنگینی به صادرکننده وارد می‌شود.

قانون برنامه هفتم پیشرفت، در بند «خ» ماده ۷۱، دولت را ملزم کرده است که نظام ردیابی و شناسنامه‌دار کردن محصولات کشاورزی را ایجاد کند. اما تا زمانی که این سامانه به صورت فراگیر و اجباری در تمام مراحل کاشت، داشت و برداشت اجرا نشود، ما همچنان شاهد صادرات بی‌شناسنامه خواهیم بود. صادرکننده ایرانی در واقع دارد در یک مه غلیظ رانندگی می‌کند؛ او نمی‌داند محصولی که خریده با چه سمومی و در چه زمانی سم‌پاشی شده است. این یعنی استاندارد در ایران، هنوز یک فرایند علمی نیست بلکه یک تشریفات اداری است.

باخت در میز مذاکره

چرا ما نمی‌توانیم مثل ترکیه، توافقات دوجانبه برای شناسایی متقابل استانداردها داشته باشیم؟ این‌جاست که دیپلماسی فنی لنگ می‌زند. ضعف ما در میز مذاکرات تجاری با اوراسیا یا همسایگان ناشی از این است که ما در داخل کشور، استاندارد واحدی برای صادرات نداریم. ما باید در بخش کشاورزی، نظام طبقه‌بندی کالا را بر اساس استاندارد کشورهای هدف تعریف کنیم مثلاً پسته درجه یک صادراتی به اروپا یا ضوابط آفلاتوکسین سخت‌گیرانه، و پسته صادراتی به بازارهای خاورمیانه با ضوابط منعطف‌تر. این تخصص‌گرایی در صادرات، حلقه مفقوده‌ای است که می‌تواند جلوی ضررهای میلیاردری را بگیرد.

وقتی «آفلاتوکسین» کابوس صادرات می‌شود

مبنی بر ممنوعیت کامل واردات پسته ایران که تنها با رایزنی‌های دیپلماتیک در بروکسل و گرفتن یک مهلت ۶ ماهه برای اصلاح وضعیت انطباق به تعویق افتاد. آمارها تکان‌دهنده است: گزارش شده که ۱۶ محموله از ۲۲۶ محموله پسته صادراتی به اروپا به‌دلیل وجود

آفلاتوکسین فراتر از حد مجاز (B1 زیر ۸ ppb) برگشت خورده‌اند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ چون ما همچنان در حال آزمون و خطای انبارداری هستیم، نه مدیریت زنجیره تامین. پسته ایران در بازارهای جهانی به‌دلیل طعم بی‌رقیبش، هنوز مشتری دارد اما وقتی استاندارد

تسهیل استانداردسازی، ضرورت توسعه تولید و صادرات

برخورد جدی شود؛ زیرا عملکرد این گروه می‌تواند بازار را برای صادرکنندگان حرفه‌ای، باسابقه و قانونمند دشوار کند.

وی همچنین خواستار تقویت امکانات آزمایشگاهی و کارشناسی استاندارد در گلستان شد و افزود: صادرکنندگان استان نباید برای انجام آزمایش‌ها و دریافت تأییدیه‌های مورد نیاز، ناچار به مراجعه مکرر به مراکز خارج از استان باشند؛ چراکه این موضوع موجب افزایش زمان و هزینه فرایند صادرات می‌شود.

رئیس اتاق بازرگانی گرجان با قدردانی از عملکرد اداره‌کل استاندارد استان گلستان اظهار کرد: تعامل میان بخش خصوصی و اداره‌کل استاندارد گلستان سازنده و شفاف است و در مسیر رفع مشکلات فعالان اقتصادی، همکاری مناسبی شکل گرفته است.

یوسفی با بیان اینکه استاندارد نباید به مانعی در مسیر تجارت تبدیل شود، گفت: استاندارد نه‌تنها مانع تجارت نیست، بلکه یکی از الزامات بقای تولید و شکل‌گیری تجارت پایدار است.

وی افزود: نشان استاندارد برای مصرف‌کننده داخلی ایجاد اعتماد می‌کند و در بازارهای خارجی نیز، در کنار استانداردها و الزامات کشورهای مقصد، اعتبار نشان استاندارد ایران برای خریداران اهمیت دارد.

رئیس اتاق بازرگانی گرجان با اشاره به شرایط جدید تجارت کشور و افزایش اهمیت مرزهای استان اظهار کرد: پس از جنگ تحمیلی اخیر و بروز مشکلات در برخی مرزهای جنوبی، توجه فعالان اقتصادی داخلی و خارجی به مرزهای شمالی و به‌ویژه ظرفیت‌های مرزی گلستان افزایش یافته است.

یوسفی با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد دستگاه‌های اجرایی نسبت به تولید و تجارت گفت: اقتصاد کشور در شرایط فعلی را نمی‌توان با رویکردی و قوانین متناسب با شرایط عادی اداره کرد. وی افزود: در شرایط دشوار اقتصادی، دستگاه‌های اجرایی باید با درک واقعیت‌های

سخن پایانی

جهانی. اگر نتوانیم استاندارد را از روی کاغذ به متن مزرعه و بطن زنجیره تولید منتقل کنیم، اگر سامانه‌ها و رهگیری محصولات به جای یک الزام اداری، به یک باور تولیدی تبدیل نشود و اگر دستگاه‌های متولی به‌جای جزیره‌ای عمل کردن، به یک دیپلماسی فنی واحد نرسند، ما همچنان صادرکننده کالاهای برگشتی

ایرانی با استاندارد اروپایی تطبیق داده نمی‌شود، ما عملاً در حال واگذاری بازار به آمریکا و ترکیه هستیم. سهم ایران از بازار پسته اروپا که زمانی دست‌نیافتنی بود، اکنون به زیر ۵ درصد رسیده است. این، هزینه نپرداختن به زیرساخت‌های استاندارد در مبدا است.

تولید و تجارت، بیشترین تعامل را با تولیدکنندگان و بازرگانان داشته باشند تا زمینه حفظ تولید، اشتغال و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی فراهم شود.

رئیس اتاق بازرگانی گرجان همچنین از تعامل مناسب مجموعه‌های دولتی، قضایی و انتظامی استان با بخش خصوصی قدردانی کرد و آن را عاملی مؤثر در ایجاد امنیت و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی دانست.

رئیس اتاق بازرگانی گرجان در ادامه با اشاره به برخی چالش‌های فرآیند صدور گواهی استاندارد گفت: پیچیدگی فرآیند صدور گواهی برای محصولات جدید، بروکراسی اداری و ضرورت استعلام از سازمان‌های مختلف، از جمله مواردی است که نیازمند بازنگری و تسهیل است.

وی پیشنهاد کرد تعرفه صدور گواهی استاندارد برای واحدهای تولیدی چندمحصولی به‌صورت پلکانی معکوس محاسبه شود؛ به‌گونه‌ای که با افزایش تعداد گواهی‌های صادرشده برای یک واحد تولیدی، هزینه سرانه صدور گواهی کاهش پیدا کند.

یوسفی همچنین خواستار بازنگری در نحوه اعمال امتیازات منفی ناشی از نتایج معایرت برای واحدهایی شد که تعداد گواهی‌های استاندارد بیشتری دارند. وی گفت: واحدهایی که تنوع تولید بیشتری دارند، طبیعتاً با فرآیندهای ارزیابی بیشتری مواجه هستند و نباید صرفاً به دلیل تعدد محصولات و گواهی‌ها، در نظام ارزیابی و انتخاب واحدهای نمونه با شرایط نابرابر مواجه شوند.



خواهیم بود. استاندارد در ایران باید از یک مجوز عبور به یک ضمانت سلامت ارتقا یابد. این تغییر پارادایم، تنها راه نجات صادرات کشاورزی ما از مهلکه بازارهای جهانی است؛ پیش از آنکه بازارهای باقی‌مانده نیز برای همیشه بسته شوند.